

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: توماج

۳۰ می ۲۰۱۱

## دیدگاه:

### بازنده نزع کیست، احمدی نژاد یا خامنه ای؟

اخیراً منازعه سختی در کانون اصلی قدرت و یگانه نهاد تصمیم گیری در نظام اسلامی در جریان است که تا به امروز آنها تا به این شکل روشن و آشکار سابقه نداشته است. اگر چه از بدو روی کار آمدن جمهوری اسلامی، بحران سیاسی و اقتصادی همزاد آن بود، اما اینبار بحران در جایی سر باز کرد که تاکنون اتفاق نیفتاده بود. اختلاف و درگیری به شکلهای گوناگون در طول حیات نظام حاکم، بین تمامی ارگانها، نهادها و زانده های عریض و طویل آن وجود داشت، اما این اختلافات عموماً در خارج از محدوده قدرت یعنی بیت رهبری صورت می گرفته که معمولاً با تشدید شدن نزاع بین طرفین و یا عبور احتمالی آنان از خط قرمزهای تعیین شده، با یک تشر و یا اشاره رهبر! همگی خفه شده و سر به آستان ولی فقیه می سائیدند.

اینک هیولای ریز نقشی به نام احمدی نژاد از صندوق جادویی محافظه کاران بیرون کشیده شده است، هیولانی که در حقیقت نتیجه تشدید مبارزات توده های کارگر و زحمتکش در ایران و لاینحل ماندن خواستها و مطالبات عدیده آنان در تمامی عرصه ها بود. احمدی نژاد که تا آن زمان تأیید و حمایت همه جانبه خامنه ای و محافظه کاران را در پشت سر داشت، تلاش نمود برای قوام بخشیدن به دولت خویش، دست سپاه پاسداران را در عرصه های مختلف اقتصادی و قرارداد های عظیم نفتی و غارت منابع طبیعی باز بگذارد تا به یمن این پشتوانه، یک دولت سیاسی-امنیتی و نظامی مستحکم و پایدار برای برنامه های بعدی تدارک ببیند. در ادامه همین سیاست بود که توانست با نزدیک کردن خود به خامنه ای، تمامی افراد و ارگانهای زائد و دست و پاگیر در خارج از بیت رهبری را از میدان بدر و یا آنها را تا حدی خنثی نماید. در مراحل این یکه تازی، نه تنها گوشش به هیچ یک از نق زندهای دلسوزان نظام! بدهکار نبود، بلکه فراتر از این، مجلس را نیز تهدید به توپ بستن کرد، هاشمی رفسنجانی با ذلت و خواری از رأس مجلس خبرگان به زیر کشیده شد تا به نیرویی زائد و بی مصرف در عرصه سیاستگذاری مبدل شود. در تمامی این قداره بندی ها، کوچکترین صدای اعتراضی از جانب طرفداران ولی فقیه و نیز شخص خامنه ای بر

نخواست. احمدی نژاد وزیر نا فرمان و نا خالص دولت را یکی پس از دیگری با خفت و خواری از وزارت برکنار کرد و یا زهر استعفاء را به زور به آنان خوراند. در تمامی این یکه تازی ها، تنها جز با درج چند کلمه از نق زدن ها توسط مخالفان دولت در رسانه ها ویا سخن پراکنی های بی خاصیت و بی محتوای آنان در ارگانهای وابسته به قدرت، اقدام دیگری صورت نگرفت. اعتراضات و مبارزات گسترده توده ها در دوره نمایش انتخاباتی ریاست جمهوری که سران رژیم را در وحشت و سرگیجه و اضطراب قرار داده بود، فرصت و شرایط مناسبی برای احمدی نژاد و طرفدارانش به وجود آورد تا نقشه های مورد نظر خود را به مرحله اجراء بگذارند.

آیا احمدی نژاد از چنان قدرتی برخوردار است که او را قادر می سازد حتی در برابر خامنه ای و اصولگرایان بایستد؟ احتمالاً روحانیت مرتجع به همراه خامنه ای در خواب غفلت بوده اند که درک کنند، زمینه های فرو ریختن اساس و پایه های ولایت فقیه، از زمانی آغاز گشت که اسامی وزرای کابینه و دولت امام زمان به چاه جمکران ریخته شد! از همان هنگام بود که اتوریتة خامنه ای و شیشه عمر ولی فقیه به همراه اعضای دولت صاحب زمان به قعر چاه سقوط نمود! تمامی ارگانهها و نهاد های تصمیم گیری، از بیت رهبری گرفته تا خارج از آن، در این شعبده بازی نقش فعالی ایفا نمودند و همصدا با خوشحالی و شادمانی فراوان حمایت همه جانبه خود را از دولت امام زمان! ابراز داشتند، غافل از اینکه این اتفاق در روند خود نتیجه ای جز خاموشی و افول نقش ولی فقیه در نظام اسلامی حاکم به دنبال نخواهد داشت.

اگر چه اصل ولایت فقیه، این مظهر و نماد ارتجاع اسلامی به شکلهای و صورت های مختلف در اعتراضات توده ئی به بدترین شکلی مورد استهزاء و تمسخر قرار گرفته شده بود اما در جبهه روحانیت مرتجع و حامیان خامنه ای، سعی گردید حداقل در محدوده هواداران و نهاد های سرکوبگر رژیم، قدوسیت و نماد خدائی آن در همه جا رعایت و حفظ گردد. احمدی نژاد که دیگر به رئیس دولت امام زمان! شناسانده شده بود، تلاش کرد نقش ارتباط با امام زمان را خود مستقیماً عهده بگیرد و خامنه ای را خلع سلاح نماید. با تکیه به این هدف است که هاله نورانی! بر بالای سر احمدی نژاد گرد می آید تا دست بالا را نسبت به رقبای خود داشته باشد. مصباح یزدی این آتش بیار معرکه فقاقت، زود تر از دیگر مرتجعین متوجه فروکش کردن تنور فقاقت شد و به همراه اصولگرایان و روحانیون و دیگر ملازمان مفت خور، در برابر اقدامات احمدی نژاد و دار و دسته نوکیسه اش، قد علم کرده و تلاش نمود به هر صورتی که شده مانع از پیشروی آنان شده و هیولای دست ساخته خودشان را که غیر قابل کنترل شده است به چاه جمکران برگرداند!

در نتیجه ادامه کشمکش ها، اختلافات خلاف سنت همیشگی، به بیت رهبری! هدایت گردید تا بیش از پیش موجب لگد مال شدن حیثیت و مشروعیت نظام ارتجاعی اسلامی شود. اکنون حامیان و مبلغین ولایت فقیه از خواب غفلت خارج شده و تبلیغات وسیع و گسترده ای را علیه نافرمانی های احمدی نژاد آغاز نموده اند. داستان سازی های ابلهانه و فکاهی گونه مرتجعین با خواب دیدن ها و روایت لحظه تولد خامنه ای، کشف سید خراسانی دوست و همبازی! صاحب زمان به همراه دیگر اراجیف آنان با ابعادی وسیع در رسانه ها و سایتها بازتاب پیدا می کند تا خامنه ای را از شری که گرفتارش نموده است، نجات دهند! آنها به خوبی به این مسأله واقفند که حیطة اعمال ولی فقیه در نظام ارتجاع آنقدر وسیع و گسترده است که اگر کسی بخواهد به هر نقطه ای از مسائل پا بگذارد، دم خامنه ای را لگد خواهد نمود!! اکنون حافظان و مبلغین ولایت فقیه می خواهند با تهدید و ارعاب، احمدی نژاد و طرفدارانش را به سکوت و کرنش در برابر ولی فقیه وادار سازند! اما چنانچه در آینده نزدیک، این اتفاق هم صورت بگیرد، با سکوت و کرنش احمدی نژاد محال است بتوانند جان تازه ای به این لاشه متعفن نثار کنند.

اینک توده ها با خوشحالی به صحنه جنگ آغاز شده چشم دوخته اند و می بینند که چگونه دشمنانشان در نهادهای اصلی قدرت به جان هم افتاده و باجنگ و دندان گوی همکدیگر را می درند . سایت “محرمانه آنلاین” وابسته به اسفندیار رحیم مشائی به درستی آینده و سرنوشت نظام اسلامی را با بیانی روشن پیش بینی نموده و هشدار می دهد .... “دوستان اصولگرایی که این روز ها فوران عصبانیت را می شود در نوع رفتارشان دید مطمئن باشند که با زمین خوردن دولت احمدی نژاد خیلی چیزهای دیگر هم زمین می خورند!!” . در واقع می گوید، برکناری احمدی نژاد نابودی شخص خامنه ای و کلیت نظام اسلامی را به دنبال خواهد داشت.

اکنون سؤال اینجاست که چرا چنین اتفاقاتی آنهم بدین صورت آشکار، در حال وقوع است؟ آیا دعوی احمدی نژاد و خامنه ای تنها برسر برکناری و یا ابقای وزیر اطلاعات است؟ احمدی نژاد از چه پشتوانه ای برخوردار است که او را وادار می سازد چنین بی مهابا به جنگ با خالق و ارباب خود برود؟ آیا خامنه ای نمی تواند همانند گذشته آنهم با سر هم بندی کردن یک اتفاق ساده که همیشه در نظام اسلامی متداول بوده، قاتلی را از مقامش خلع و شخص جنایتکار دیگری را به جایش بگمارد؟

آنچه مسلم است احمدی نژاد با تأیید و پشتوانه صد در صدی خامنه ای و با حمایت همه جانبه جناح طرفدار او بر مسند ریاست جمهوری تکیه زد، رهبر نظام اسلامی پیوسته عملکردهای احمدی نژاد را تأیید و آنها را تماماً در راستای اسلام ناب محمدی ارزیابی کرده است و اینک نمی تواند به سادگی آنها را پس گرفته و اظهار ندامت و پشیمانی کند. اگر چنین رویدادی صورت گیرد، راهی برای او باقی نخواهد ماند جز آنکه همانند سلف خود خمینی، جام زهر را تا به آخر سر کشد!

احمدی نژاد با آگاهی کامل به این مسأله، پای رهبر را بیشتر از گذشته به همه مسائل جاری کشانده و باعث لگد مال شدن حیثیت او در تمامی زمینه ها شده است . در دوران صدارتش با همیاری و پشتوانه رهبر! دست به هر جنایتی زده و در تمامی کشتارها، فریبکاریها و شارلاتان بازی ها، از حمایت همه جانبه و بی دریغ خامنه ای سود برده است. اکنون اگر او (ولی فقیه) لب به گله و اعتراض علیه احمدی نژاد بگشاید، با دستانش گور خود و کل نظام اسلامی را کنده است. برای شناخت بهتر از قضایا و دعوای احمدی نژاد و دولتش با خامنه ای و حامیانش، لازم است نگاهی کوتاه به جنبه های مهم دیگر دعوا در نظام اسلامی انداخت.

هنگامی که احمدی نژاد ریاست دولت اسلامی در ایران را عهده دار شد، سران مرتجع اسلامی فکر نمی کرد ند که این موجود به ظاهر ابله و مطیع، در آینده ای نه چندان دور، همچون زهری کامشان را تلخ کند! و محال است به زودی بتوانند پاد زهری برای آن پیداکنند! چرا که ریشه و منشأ این زهر از طرف جناحی از درون دولت و سپاه پاسداران است که برای برون رفت از این تضاد ها و در نهایت نجات جمهوری اسلامی، راه دیگری را جست و جو می کنند. انتخاب احمدی نژاد که با تأیید خامنه ای و با حمایت و پشتیبانی گسترده سپاه پاسداران صورت گرفته بود، عاملی شد تا حیطه فعالیت سپاه بیش از پیش در عرصه های مهم اقتصادی گسترش یافته و در نتیجه، جایگاه این ارگان فاشیستی و سرکوبگر را در قدرت سیاسی حاکم، کاملاً دگرگون سازد.

به همت دولت احمدی نژاد، سپاه پاسداران توانست از وام های بلا عوض گرفته تا پشتوانه وسیع مالی بانکها و با استفاده از نیروی دولت واهرم فشار، رقباء را در عرصه های مختلف، یکی پس از دیگری از دور رقابت ها خارج سازد و به منابع عظیم و مهم اقتصادی در کشور دست یابد. امروزه سپاه با در اختیار داشتن این امتیاز(دولت احمدی نژاد) در وسیع ترین عرصه های اقتصادی حضورفعال داشته و جهت گسترده تر کردن محدوده فعالیت خود، راهی جز این ندارد که اندکی ساختار شکنی کرده و پا روی دم رهبر بگذارد! اینک سپاه پاسداران برای

دستیابی به سرمایه گذاری های عظیم و گسترده تر و در نهایت پیوند وسیعتر با سرمایه داری جهانی، باید تا حدودی موانع دست و پا گیر موجود را از سر راه بردارد .

سرمایه داری ایران اکنون می خواهد با تعدیل بخشی از این موانع، مشکل خود و جامعه ایران را حل کند! نهایتاً اینکه نگاه سرمایه داری جهانی را به جایگاهی که اکنون در آن قرار گرفته است، جلب نماید . با نگاهی گذرا به حضور سپاه پاسداران و سرمایه گذاری هایش در عرصه های صنعت نفت و دیگر معاملات و قرارداد های سود آور میلیاردری ، به سادگی می توان به این مسأله پی برد که در دنیای سیاست اقتصاد آزاد ، حامیان نظم سرمایه در ایران با هر نام و در هر لباسی که باشند ، باید تکلیف خود را با عوامل باز دارنده روشن نمایند. اشتباهی سیری ناپذیر سپاه پاسداران و شرکای سرمایه دارش برای بلعیدن، به اندازه کافی باید برای همگان روشن شده باشد که چگونه و با چه سرعتی برای به قبضه در آوردن کل اقتصاد و منابع ایران خیز برداشته است.

اما اشتباه بزرگ احمدی نژاد و سپاه پاسداران و تمامی غارتگران در این است که اولاً به اتکاء و با استفاده از همان شیوه و روشهای ارتجاعی و خرافی متعلق به رقیب ، به میدان جنگ رفته اند و می خواهند آن ها را از سر راه بردارند! . دوم، سرمایه داران نو کیسه در ایران، این اصل مهم و حیاتی را هرگز نباید فراموش کنند که، قیل اینکه بخواهند پا به عرصه جهانی بگذارند، چاره ای جز این ندارند که به پایه ای ترین خواست و مطالبات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی توده های مردم ایران پاسخ قطعی دهند. حامیان سرمایه داری در ایران ارتجاعی تر و عقب مانده تر از آن هستند که بتوانند گوشه ای از این مشکلات و نیاز های توده های مردم ایران را برطرف کنند، آنها حتی اگر بتوانند از حمایت وسیع سرمایه جهانی برخوردار شوند، هرگز قادر به این کار نخواهند شد.

تا زمانی که نظام سرمایه داری – مذهبی در ایران به حیات ننگین خود ادامه می دهد، معضلات جامعه روز به روز گسترده تر و عمیق تر خواهد شد . محال است بتوان با جابه جایی فرد و یا جناحی از حاکمیت، نظام اسلامی را از خطر نابودی که هر لحظه تهدیدش می کند، نجات داد. جنگ و نزاع آغاز شده نه تنها برنده ای نخواهد داشت بلکه نقطه پایانی برآن نیست . برنده واقعی نیروئی است، خارج از نظام اسلامی. مردم ایران خود را برای یک رویارویی بزرگ و تعیین کننده تری سازماندهی و آماده می کنند. جامعه ایران به یک تحول و دگرگونی اجتماعی عظیم، در تمامی عرصه های اقتصادی و سیاسی، فرهنگی نیاز دارد که تنها با اتکاء به نیروی کار و با حمایت بی دریغ تمامی اقشار زحمتکش جامعه و تنها با سرنگونی کامل نظام ارتجاعی اسلامی حاکم بر ایران، قابل حصول است.

ماه مه ۲۰۱۱